

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پیروزی در «بنگاله دش»

یک رویداد مهم در سیاست جهانی

بررسی عواقب این حادثه در مورد کشور ما

۱ - شاخص دوران ما

هفتاد و پنج حزب کمونیستی و کارگری که در ژوئن ۱۹۶۹ در مسکو گرد آمدند در سند اساسی خویش تصریح کرده اند: «در حال حاضر شرایط واقعی برای حل

موج جدید ترور و اختناق

و اعترافات سخنگوی ساواک

ساواک اعتراف میکند

روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۰ سخنگوی سازمان امنیت سرانجام و پس از سکوت طولانی طی مصاحبه ای خبرهایی را که از مدتها پیش در مطبوعات اپوزیسیون (از جمله مطبوعات حزب ما و رادیوی بیگ ایران) و روزنامه های خارجی منتشر میشد تأیید کرده و اطلاع داد که در ده ماه گذشته تعداد کثیری از هم میهنان ما که عقاید و نظریات متفاوت داشته اند، بطور پنهانی از جانب مأمورین سازمان امنیت بازداشت شده اند. خبر این بازداشت ها بوقوع خود به اطلاع افکار عمومی نرسیده و در مدت بازداشت نیز که بقول سخنگوی سازمان امنیت «تحقیقات» و «بازجویی» از آنان ادامه داشته کوچک ترین اطلاعی از وضع آنان منتشر نشده است. چنانکه میدانیم در این مدت سازمان ها و موقی بین المللی کوشش فراوانی بکار بردند که از وضع افراد بازداشت شده اطلاعی کسب کنند ولی موفق نشدند. آنها حتی نتوانستند پاسخی باین سؤال دریافت کنند که «آیا کسانی در ایران بازداشت شده اند یا نه؟» و تعداد بازداشت شدگان چقدر است؟

افکار عمومی جهان برآشفته است

پنج سازمان معتبر بین المللی: سازمان جهانی عفو، «جمعیت جهانی حقوق دانان دموکرات»، «دبیرخانه جهانی حقوق دانان کاتولیک»، «کمیسون جهانی حقوقدانان»، «فدراسیون جهانی حقوق بشر» در اعلامیه ای که در تاریخ بیستم دسامبر ۱۹۷۱ منتشر کردند نگرانی شدید خود را از سرنوشت «بیش از صد و پنجاه نفر از ایرانیان که در زمانهای مختلف توقیف شده اند» ابراز داشتند و اعلام کردند که «با این بازداشت شدگان بد رفتاری شده و به آنها شکنجه داده اند».

در نامه ای که کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در نوامبر ۱۹۷۱ خطاب به

از ضعف روز افزون امپریالیسم و قدرت روز افزون نیروهای مترقی است.

۲- زایش خونین و افتخار آمیز یک کشور

ما نمی خواهیم وارد تحلیل حوادثی شویم که منجر به پیدایش جمهوری دموکراتیک بنگاله دش شد زیرا در این باره در شماره پیشین «مردم» با تفصیل سخن گفته ایم. ولی اینک سودمند میدانیم مراحل و منازل عمده حوادث را ولو بکوتاهی یادآوری کنیم؛ در دسامبر سال ۱۹۷۰ حزب «عوامی لیگا» که خواستار خودمختاری برای ۷۵ میلیون اهالی پاکستان شرقی دیروز و بنگاله دش امروز بود در انتخابات پیروزی کامل بدست آورد. حکومت میلتاریستی و استبدادی یحیی خان ابتدا با مجیب الرحمن لیبر حزب عوامی لیگا وارد مذاکره شد ولی خیلی زود باین نتیجه رسید که از مذاکره دست بردارد مسئله را بسود سيطرة کامل پاکستان غربی بر بنگاله دش با زور، با آتش و خون حل کند. در ماه مارس ۱۹۷۱ سیاست قصابی بی نظیر یک میلیون مردم بنگاله آغاز گردید. سران جنبش «عوامی لیگا» بازداشت شدند.

در اثر اعمال فشار وحشیانه ده میلیون تن مردم بنگاله دش دست به مهاجرت اجباری بسوی هند زدند، هند بنوبه خود از این رهگذر تحت سخت ترین فشارها قرار گرفت. تلاشهای هند برای حل مسئله از طریق مذاکره به نتیجه نرسید. پیوند نزدیک میلتاریستهای پاکستانی با امپریالیسم امریکا و رهبران چین آنها را در کله شقی و زور گویی تشویق میکرد. هند در قبال این وضع مجبور شد بدفاع از خویش بپردازد. نیروهای هند به همراه ارتش رهائی بخش «موکئی بهینی» دست به رها کردن بنگاله دش زدند. این جنگی بود عادلانه، این جنگی بود که تمام ۷۵ میلیون بنگالی خواستار پیروزی آن بودند. غول گلین پای ملیتاریسم پاکستانی که مورد حمایت امریکا و چین بود فرو ریخت. شهر داکا سقوط کرد. خلق بنگاله با اشک، گیل، فریاد شادی رهبران جنبش رهائی بخش را با آغوش باز پذیرفت. حکومت جبار یحیی خان در اثر فشار افکار عمومی ساقط شد و شخص وی تحت نظر قرار گرفت. ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر جدید مجبور شد مجیب الرحمن را از زندان و سپس حبس نظر آزاد کند. وی در میان استقبال گرم خلق خود به داکا بازگشت. در جریان جنگ در سازمان ملل متفق دو خط مشی در برابر هم ایستاد: یکی خط مشی شوروی و هندوستان که بر اساس واقعیات انکار ناپذیر از حقوق بنگاله دش، دفاع میکردند و خط مشی دیگر از آن

دنباله در صفحه ۳

مهمترین مسائل عصر ما بسود صلح، دمکراسی و سوسیالیسم، برای ایراد ضربات تازه بر امپریالیسم وجود دارد... تضاد بین سیاست «از موضع قدرت» که امپریالیسم اجراء میکند و امکانات واقعی امپریالیسم بیش از پیش بروز میکند. امپریالیسم قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود بازگرداند و تکامل جهان را به سیر قهقرازی وادارد. شاهراه تکامل انسانیت را سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی و همه نیروهای انقلابی تعیین میکنند. «حوادث سالهایی که از تصویب این سند گذشته است صحت این تحلیل و این پیش بینی ها را نشان داده است. امپریالیسم و بر رأس آنها امپریالیسم امریکا که در دوران پس از جنگ دوم جهانی کوشید بنای دوزخی «جنگ سرد» را بر افرازد و تساط سیاسی، نظامی، اقتصادی خود را بر جهان بر قرار سازد اینک در حال عقب نشینی است. مواضع «جنگ سرد» بیش از پیش تضعیف شده و این سیاست شوم امپریالیستی محکوم بفناست.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر با تقویت همه جانبه قدرت سوسیالیسم تناسب نیروها را بیش از پیش بسود سوسیالیسم تغییر میدهند و سیاست همزیستی مسالمت آمیز را گام، گام بر امپریالیسم تحمیل مینمایند. این تلاش مستمر که طی بیست و پنج سال پس از دومین جنگ جهانی باروخی خستگی ناپذیر، با روش بلانچرف، با ابتکاری در خورد تحسین از طرف سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی برادر دنبال شد بتدریج ثمرات خود را بارز می کند. نیروی سوسیالیسم دست بتعرض زده و ابتکار را بیش از پیش بدست دارد. امپریالیسم امریکا، این ژاندارم جهانی که عربده کشان و تهدید کنان همه جا به پاسداری مواضع ارتجاعی ایستاده بود، اینک بیش از پیش ضعف خود را برای اجراء تعهدات ماوراء ارتجاعی خویش نشان میدهد، و نکسون در پیام اخیر خود باین نکته صریحاً اشاره کرده است. بتدریج، و البته هنوز با فراز و نشیب های بسیار در وضع جهانی و مبارزات دشوار و گاه طولانی، دوران نوینی در تکامل سیاست جهانی آغاز میگردد و امپریالیسم علی رغم قوای بسیاری که هنوز در اختیار دارد سرانجام قادر نخواهد بود از پیروزی امر صلح و همزیستی جلو گیری کند. در میان مجموعه حوادثی که در جهان معاصر روی میدهد، پیروزی خلق بنگاله دش بر میلتاریست های پاکستانی نموداری از وضع کنونی تناسب قوا، مظهر تازه ای

نخست وزیر هویدا نوشته از سرنوشت ۳۷ نفر ایرانی که در ۲۳ اوت در تهران توقیف شده اند ابراز نگرانی کرده و اطلاع میدهد که مراجعات مکرر و کلای دعاوی فرانسوی: «ژودل» و «بوآیار» به مقامات مسئول ایرانی برای کسب خبر از این زندانیان به نتیجه ای نرسیده است.

رودن انسانها و گانگستریسم سیاسی

سخنگوی سازمان امنیت در مصاحبه ۲۶ دیماه با ریشخندی بیمارگونه و غروری چون آمیز اعلام کرد که رقم ۳۷ نفر، ۱۵۰ نفر و غیره ناشی از عدم اطلاع است. وی گفت که سازمان امنیت در شهریور ماه ۶۰ نفر را بازداشت کرده ولی مخالفین خبر نداشتند و همان رقم ۳۷ نفر را تکرار کردند.

بجاست یادآوری کنیم که پس از بازداشت این عده آقای ژودل در ماه اکتبر در تهران بود و هر چه کوشید تا از مقامات رسمی ایران لااقل تعداد بازداشت شدگان را بدست آورد موفق نشد.

از اینجا این واقعیت تلخ تأیید میشود که سازمان امنیت ایران افراد را «بازداشت» نمیکند بلکه میرباید و میزدند و از این راه این امکان را برای خود محفوظ میدارد که با قربانیان خود هر طور که مایل است رفتار کند. از جمله اینکه آنها را بکشد و سپس اصولاً «بازداشت» آنها را هم منکر شود.

چنین جنایت بزرگی چنانکه میدانیم در حق دو تن از اعضاء مبارز حزب ما رفتار می و معصوم زاده اعمال شد. آنها را مأمورین سازمان امنیت دزدیدند و سر به نیست کردند و خبر بازداشتشان را نیز منتشر ساختند. در حکومت عادی - بمعنای بورژوازی معاصر آن - افشای این واقعیت که تعداد کثیری از مردم بطور پنهانی بازداشت شده و مورد شکنجه قرار گرفته اند و حتی مراجع بین المللی نتوانسته اند از وضع آنان خبری بدست آورند، میتوانست بحران دولتی ایجاد

دنباله در صفحه ۲

موج جدید ترور و اختناق و اعترافات سخنگوی ساواک

گرفته شده است تکیه کرد.

پیش کشیدن این نوع مطالب تحریک آمیز بویژه با توجه به توطئه های ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس و تلاشهای انحصارات امپریالیستی نفت علیه کشورهای نفتخیز کسب اهمیت میکند و نباید ساده تلقی شود. از قرار معلوم ساواک میخواهد جای شایسته خود را در این توطئه ها اشغال کند.

قابل توجه است که سخنگوی سازمان امنیت ضمن صحبت از گروه منتسب بنهضت ملی ایران که گویا دسته ای از آن بازداشت شده است به «معتقدات کمونیستی» اعضای آن اشاره کرده و ادعا نمود که این گروه اگرچه بطور عمده عقاید مذهبی داشته و از هواداران جبهه ملی ایرانند ولی گویا کتاب های کمونیستی خوانده و تحت تأثیر قرار گرفته اند. نتیجه اینکه از این ادعا حاصل میشود روشن است. هواداران جبهه ملی ایران و گروههای ملی دارای معتقدات مذهبی نیز بالاخره «کمونیست» هستند!!

این نظر سازمان امنیت ایران با آنتی کمونیسم مورد علاقه ارتجاعی ترین محافل امریکائی و بزرگترین انحصار داران امریکائی که چشم بر منابع ثروت ما دوخته اند کاملاً تطبیق میکند. رژیم ایران «آنتی کمونیسم» را تا سطح ایدئولوژی رسمی خود رسانده است، زیرا نه تنها این ایدئولوژی از ماهیت و سرشت ارتجاعی خود وی ناشی است بلکه آنرا وثیقه جاب حمایت و الطاف امپریالیسم جهانی نیز میشود.

چنانکه می بینیم مصاحبه مأمور سازمان امنیت هدفهای تحریک آمیز و پلیسی فراوانی را تعقیب میکرد ولی آنچه در برنامه این مصاحبه قرار نداشت مطلع ساختن مردم بود.

ساواک: سازمان ضد امنیت

«مقام امنیتی» در مصاحبه خود کوشش بسیار کرد تا سازمان امنیت را مدافع نظم و آرامش قلمداد کند و چنین وانمود سازد که مأمورین این سازمان با چشم باز و علاقه صادفانه ای در پاس «امنیت» مردم ایستاده اند. اما جریان مصاحبه نشان میداد که در واقع امر بزرگترین برهم زننده امنیت و نظم در کشور همین سازمان امنیت است. این سازمان جانیاتکار است که با الهام از سردمداران رژیم امنیت را از همه مردم کشور سلب کرده است. سازمان امنیت در برخی موارد حتی کار توطئه گری را بانجا کشانده است که برخی نقشه های خرابکارانه طرح و بدست عمل خود اجرا میکند تا مسئولیت آنرا بگردن سازمانهای سیاسی مخالف رژیم بگذارد. حزب ما در تجربه خود با این واقعیت از نزدیک آشنا شده است. عباس شهربازی (اسلامی یا «مرد هزار چهره» کدائی) که عامل سازمان امنیت بود علیرغم دستورهای حزبی و با مخالفت آشکارا با سیاست حزب و

کند و افراد دست اندر کار را به پای میز محاکمه بیاورد. (از حادثه در قفس اکنون قریب یک قرن میگذرد!!) اما سازمان امنیت ایران پنهانی بودن بازداشتها، معلوم نبودن تعداد بازداشت شدگان و بی خبری کامل افکار عمومی از وضع آنان را در تمام مدت بازداشت بحساب «لیاقت» خود میگذارد و بآن افتخار میکند!

از اینجا میتوان دریافت که رژیم پلیسی حاکم بر کشور ما چقدر با حکومتهای طبیعی و عادی - حتی بمعنای بورژوازی آن - فاصله دارد. مصاحبه سازمان امنیت یکبار دیگر نشان داد که این سازمان بخشی از دستگاه اداری و قضائی کشور نیست و با شیوه ها و قوانین عادی دولتی عمل نمیکند. ساواک یک سازمان گانگستری سیاسی است که در سطح دولت متشکل و مجهز شده و در مقیاس کشور عمل میکند.

سخنگوی سازمان امنیت ادعا کرد که هدف از تشکیل مصاحبه مطلع کردن مردم است. وی گفت که گویا سیاست دولت از دو سال پیش (!) مبتنی بر دادن اطلاعات رسمی است. اما در جریان مصاحبه که بسیار مفصل و طولانی بود در واقع هیچ اطلاع رسمی و با ارزشی داده نشد. در این مصاحبه طولانی حتی این خبر واجب و مورد علاقه عموم که بالاخره تعداد بازداشت شدگان چقدر است و مصاحبه آنان در چه موقعی آغاز خواهد شد اعلام نگردید. سخنگوی سازمان امنیت نه تنها بابتکار خود و بطور عادی تعداد زندانیان را اعلام نکرد بلکه حتی در جواب سئوالات خبرنگاران نیز از دادن پاسخ قطعی امتناع نموده گفت «خیال میکند» که در حدود ۱۲۰ تن هنوز در بازداشت بس میبرند!!

سبل اتهامات بی مدرک

از جریان مصاحبه کاملاً آشکار بود که سخنگوی سازمان امنیت در اظهارات خود بطور عمده به اعترافات برخی از بازداشت شدگان تکیه دارد، اعترافات که در طی ماههای طولانی بازداشت و در شرایط غیر عادی و تحت فشار از آنان گرفته شده و فاقد هرگونه ارزشی است. از قول اینگونه افراد، مأمور سازمان امنیت اتهامات فراوانی به بازداشت شدگان نسبت داد و آنها را به جاسوسی، دزدی، آدمکشی و انواع جنایات دیگر متهم ساخت. بعلاوه سخنگوی سازمان امنیت در برخی از مسائل مهم کشوری و روابط ایران با دولتهای خارجی نیز مطالبی عنوان نمود که آشکارا جنبه تحریک و توطئه داشت. وی مدعی شد که بازداشت شدگان با این یا آن دولت خارجی تماس گرفته و در تهران سفارت شوروی مراجعه نموده اند. سخنگوی سازمان امنیت برای اثبات این ادعای خود تنها به اعتراضها ئی که گویا از برخی از بازداشت شدگان

طبق نقشه سازمان امنیت دست بکار هائی میزد که مأمورین این سازمان پس از «کشف» آنها کوشیدند حزب ما و اعضای آنرا به خرابکاری متهم سازند.

از جانب دیگر تمام دلایل حکایت از آن دارد که نفس وجود ساواک و اعمال جنایاتکارانه آن از مهمترین عواملی است که برخی از نیروهای مبارز را بسوی روش های تند مبارزه سوق میدهد.

بعبارت دیگر رژیم ترور متکی به سازمان امنیت نه تنها عامل تأمین امنیت و آرامش - حتی بمعنای آن که طبقات حاکم در ایران میفهمند - نیست بلکه یکی از عوامل مستقیم و غیر مستقیم پیدایش روشهای تند مبارزه است و مسئولیت همه حوادثی که در سالهای اخیر بوجود آمده و سازمان امنیت خود را قهرمان مبارزه با آنها نشان میدهد، قبل از همه و پیش از همه بهمدون رژیم استبداد و سلطنتی حاکم بر کشور ما و سازمان امنیت آنست. تا وقتی این سازمان جهنمی با چنین شیوه های غیر انسانی بر مردم ایران بتازد مشکل بتوان از پیدایش عکس العملهای تند ضد آن جلوگیری کرد.

اولین و بهترین شکل تأمین امنیت مردم برچیدن بساط سازمان امنیت است. از مصاحبه سخنگوی سازمان امنیت وضع بسیار سخت و دشوار زندانیان سیاسی کاملاً آشکار بود. در این مصاحبه کمترین احترام و توجهی نسبت به بازداشت شدگان و حقوق انسانی و سیاسی آنها احساس نمیشد و مأمور سازمان امنیت با چنان بی اعتنائی از سرنوشت آنان، از زندگی یا مرگ آنان سخن میگفت که گویی اصولاً در باره انسان سخن نمیگوید. از لابلای سخنان مأمور امنیتی وجود شکنجه در بازداشتگاهها تأیید میشد و چنین بنظر میرسید که مأمور سازمان امنیت مایل است بطور غیر مستقیم آنرا برخ شونندگان خویش بکشد تا شاید بر میزان وحشت بیفزاید.

مصاحبه مأمور سازمان امنیت و «اطلاعاتی» که وی از وضع زندانیان سیاسی داد، بحق نگرانی مردم را نسبت به سرنوشت آنان دو چندان کرد. جا دارد که با شدت، حرارت و وسعت بیشتری از این مبارزین دفاع شود. حزب ما در گذشته همواره در دفاع از زندانیان سیاسی در صفوف مقدم مبارزه بود و امروز نیز با استفاده از تمام قوای خود از زندانیان سیاسی، صرفنظر از اینکه بکدام سازمان سیاسی وابسته باشند، دفاع خواهد کرد.

یک سفسطه «مقام امنیتی»

در مصاحبه ۲۶ دیماه ۱۳۵۰ یکی از خبرنگاران سؤال مهمی مطرح کرد که فکر بسیاری از مردم را بخود مشغول میکند. وی پرسید که انگیزه جوانانیکه وارد میدان سیاست میشوند چیست. «مقام امنیتی» نتوانست و بهتر بگویم نمیتوانست باین سؤال مهم جواب دهد. وی با وارد آوردن اتهاماتی به جوانان خیال خود را راحت کرد و ادعا نمود که «تحریک خارجی» و «عصیان موجود در صفوف جوانان» گویا انگیزه اصلی است.

اما بنظر ما این سؤال بینهایت مهم است و جا دارد که در باره آن بتفصیل صحبت شود. جوانان کشور ما را نه تحریک خارجی و نه عصیان جوانی بمیدان مبارزه میآورد. آنان بر اثر علاقه به سرنوشت کشور ما و در تلاش خدمت صادقانه به توده زحمتکش ایران وارد میدان میشوند. جوانان ایران ضرورت یک تحول بنیادی را در جامعه ایران از صدر تا ذیل احساس میکنند و میفهمند که بدون چنین تحولی عقب ماندگی ایران رفع نخواهد شد، استقلال کامل اقتصادی و سیاسی کشور تأمین نخواهد گشت، فاصله وحشتناک فقر و ثروت از میان برنخواهد خاست، فقر، جهل و بیماری میلیونها ایرانی علاج نخواهد شد و ایرانی آزاد و آباد، ایرانی در خورد مردم فداکار و زحمتکش آن بوجود نخواهد آمد. جوانان ایرانی به امکانات عظیم طبیعی و انسانی کشور واقفند و از امکانات مهمی نیز که بر اثر پیروزیهای کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در جهان حاصل شده خبر دارند و می بینند که از این امکانات استفاده نمیشود. فساد، دزدی، چاقو بر حکومت ایران مسلط است، حقوق مردم زیر پا گذارده میشود. برای تغییر این اوضاع و برای ایجاد یک تحول بنیادی است که جوانان ایران بطور روز افزونی به صفوف جنبش ملی و دموکراتیک ایران می پیوندند. انگیزه های جوانان ایرانی انگیزه های سالم، پاک و مین برستانه و ترقیخواهانه است.

بطوریکه مأمور سازمان امنیت تصریح کرد جوانانیکه بازداشت شده اند به گروههای مختلفی وابسته بوده و چه بسا فلسفه های متفاوتی داشته و ایران فردا و راه رسیدن بدان را به گونه های مختلف مجسم میکردند. با اینحال انگیزه های آنان، بنظر ما، یکی بوده که همانا انجام یک تحول بنیادی بخاطر ایجاد ایرانی آباد و آزاد و تأمین رفاه توده مردم است.

راه مبارزه واقعی کدام است؟

در خاتمه لازم میدانیم که نظر - را پیرامون شیوه ها و اشکال مبارزه که میتواند ما را به هدف نهائی - تحول بنیادی جامعه ایران - برساند بیان کنیم. ما البته اظهارات «مقام امنیتی» را فاقد ارزش میدانیم و هیچکدام از اتهاماتی را که وی به بازداشت شدگان نسبت داده وارد نمیدانیم. ولی اطلاع داریم که برخی از سازمانها و گروههای اوپو - زیسیون ایران اقدامات ماجراجویانه، برخورد های مسلحانه جداگانه گروههای کوچک مبارزین را با نیروهای مسلح دولتی و حتی اقدامات توطئه گرانه را بعنوان راهی که گویا به تحول بنیادی جامعه ایران میانجامد تبلیغ میکنند. این را مطبوعات متشره از جانب اپوزیسیون نشان میدهد.

بنظر ما این گروهها انقلاب ایران را دست کم گرفته اند و با تبلیغات خود به امر انقلاب ایران ضرر میزنند. آنها نیروهای مبارز و کم تجربه را از جاده اصلی مبارزه منحرف میسازند، از تشکل واقعی، از سازمان دمی و تجهیز قوا برای یک پیکار جدی جلو گیری بعمل میآورند.

پیروزی در «بنگاله دش» - یک رویداد مهم در سیاست جهانی

امریکا و چین بود که مردم بنگال دش را «متجاسر» و هند را «متجاوز» اعلام می‌داشتند. امریکا و چین وارد اتحادی ننگین و رسوا علیه خلق رنج‌دیده بنگال دش شدند. خلقی که بنا باظهارات اخیر مجیب الرحمان سه میلیون تن کشته بخاطر آزادی و استقلال داده است.

۳- شکست دیکتاتوری نظامی جیحی‌خان

دیکتاتوری نظامی یحیی‌خان با همه حمایت نیکسون و مائوتسه دون شکست خورد. جالب است که بوتو خود سخنگوی یحیی‌خان در سازمان ملل متفق بود و با حرارت از تر ظالمانه دولت پاکستان حمایت میکرد اکنون مجبور است یحیی‌خان را در خانه‌اش تحت نظر قرار دهد. کار بجایی رسیده است که ذوالفقار علی بوتو بنا به نقل روزنامه فرانسوی «لوموند» (۱۸ ژانویه ۱۷۲ - صفحه ۳) به جنایات ارتش پاکستان در بنگاله دش اعتراف کرده است. وی در ۱۵ ژانویه سال جاری گفت که دو تن از ژنرالهای ارتش پاکستان مرتکب چنین جنایاتی شدند. اعترافات بوتو خیلی محدود تر از واقعیت است زیرا وی از اشاء حقایق باک دارد. ولی همین اندازه اعتراف از طرف بوتو برای نشان دادن رژیم مورد حمایت واشنگتن و پکن کافی است. این دیگر سخن ایندیرا گاندی یا مجیب الرحمان نیست. این بوتو است که مجبور میشود یحیی‌خان را در خانه‌اش تحت نظر قرار دهد و بوجود جنایات اقرار نماید! آنوقت هنوز رهبران پکن، این مدعیان «انقلاب جهانی» از قصابان خلق‌ها (که خود نیز بدین قصابی معتزفند) حمایت می‌کنند و ۷۵ میلیون خلق آزاد شده را «یاغی» و «متجاسر» می‌نامند!

سرنوشت حکومت مپلیتاریستی یحیی‌خان واقعاً عبرت انگیز است. بنا به اظهار سناتور ادوارد کندی در «نیویورک تایمز» امریکا تا ۱۰ میلیارد دلار سلاح به پاکستان کمک کرده و یا در حال کمک بود. اسناد محرمانه اخیر فاش شده در امریکا دامنه حمایت نیکسون سالوس را به پاکستان نشان میدهد. نیکسون که ظاهراً از «بیطرفی» در اختلاف هند و پاکستان سخن می‌گفت، در عمل، موافق بیان کیسنجر رایزن رئیس جمهور امریکا، برای یاری رساندن به پاکستان بی‌تابی نشان میداد. ناوگان هفتم امریکا و کشتی «انتر پرایز» خواست در خلیج بنگال سیاست استعماری کهن را تکرار کند ولی بجای آنکه مایه رعب شود، موجب مسخره و ریشخند شد. آخر امریکا با رژیم مپلیتاریستی یحیی‌خان قرار دادهای متعدد داشت و از طریق «سنتو» و «ستو» با او پیوسته بود. ولی امریکا نتوانست این رژیم فاسد و خونخوار را از پایان بدون افتخارش نجات بخشد. تشویق‌ها و دل‌دادنهای چوئن لای نیز

در این زمینه بی‌اثر بود. رهبران چین کوشیدند تا با توسل به سفسطه‌های مضحک یحیی‌خان را تیرانه کنند و رهبران «عوامی لیگ» را مرتجع و ضد خلق معرفی نمایند و جنبش رهائی بخش بنگال را فلابسی و نقش مثبت هند را نقش متجاوز جلوه‌گر سازند. این تقلاها و شنبه‌ها نیز رژیم نظامی یحیی‌خان را از غرق شدن در لجنزار تاریخ نجات نداد.

این واقعاً داستان عبرت انگیز است! زیرا تنها رژیم یحیی‌خان آن رژیم استبدادی و نظامی نیست که از بلو کها، از امریا لیسیم امریکا، از رهبران مائوتست انتظار معجزه دارد و می‌خواهد با چنگ زدن در این رسته‌های از جهت تاریخی سست خود را نگاه دارد.

۴- یک درس شگرف برای جهان

مجموعه این حوادث متضمن درسی است عبرت انگیز. ضعف امپریالیسم امریکا که در عرصه‌های نبرد هندوچین به برکت مبارزات قهرمانانه مردم ویت نام شمالی و جنوبی، لائوس و کامبوج پدیدار شده بود، در این جریان بیشتر بروز کرد. مسلمانان امریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا دارای نیروی بزرگی است و نباید خطر آنرا نادیده گرفت و کار را خاتمه یافته شمرد. ولی این امپریالیسم مدهتاست ابتکار را از دست داده است. در این جریان نقاب از چهره سالوس رهبران چین نیز تماماً افتاد. این «حامیان» پر جنجال «جنبش رهائی بخش»، این انحصار کنندگان غضبناک «مبارزه علیه امپریالیسم» و «انقلاب جهانی» ناگهان به متحد عیان واشنگتن و دشمن ۷۵ میلیون مردم بنگال دش بدل گردیدند.

پس واقعیات تاریخی، مطالبات خلق‌ها بخودی خود سنگی و ارچی ندارند و واقعیت چاکر اراده و مقاصد رهبران پکن است و آنها هر طور که بخواهند میتوانند با این واقعیت بازی کنند، هر کس و هر چیز را که منافع شونیستی و ناسیونالیستی آنان بطلبد، آن کس و آن چیز را تقدیس نمایند و الا ملعون، روزیونیست، امپریالیست، ارتجاعی اعلام دارند! نمیتوان جهانی را با این نوع سفسطه‌های ماکیاولی فریب داد. روشن است که حادثه بنگال دش هم در آسیا و هم در افریقا عیار دعای انقلابی مائوتست را آشکار تر ساخته است و واقعیات حاکی است که این حادثه اختلاف را در درون صفوف خود مائوتست نیز تشدید کرده است.

با اطمینان میتوان گفت که سیر بغرنج حوادث جهان عیار سکه‌های قلب دعای رهبران چین را در بوتو حادثه بیش از پیش روشن خواهد ساخت و میتوان ورشکست مشی کنونی رهبران چین را با اطمینان کامل پیش بینی کرد.

۵- تایید این حوادث برای کشور ما

در جریان حوادث بنگاله دش سخنگویان هیئت حاکمه، شاه، هویدا و دیگران برای متحد ناکام خود سنگ اندکی بسینه نكوفتند. هویدا گفت: «به پاکستان زور م‌گویند ولی کسی هم نیست که بدادش برسد.» دولت ایران کنسول خود را از داکا احضار کرد و جنبش مردم بنگاله دش را «تجزیه طلبی» نامید. شاه پس از سقوط داکا و اضحلال حکومت خونخوار یحیی‌خان با شتاب به روال پبندی پرید. روزنامه امریکائی «نیویورک هرالد تریبون» نوشت که شاه به یحیی‌خان علاقه فراوانی داشت ولی تردیدی نیست که علاقه شاه یحیی‌خان نبود که او را به روال پبندی کشاند بلکه خوردن دولت پوشالی پاکستان و آینده پیمان تجاوزکارانه «سنتو» دولت ایران را سخت نگران ساخته است.

دولت ایران می‌بیند که در شرق و غرب ایران تحولاتی در کار فضع یافتن است. در جهان عربی جنبش رهائی بخش ملی پیش می‌رود و قوت می‌گیرد. مبنای تسلط اسارت اور امپریالیسم در خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند پیش از پیش متزلزل میگردد. ناوگان نیرومند کشور های سوسیالیستی انحصار «حضور در دریاها» را بسود خلقها گام بگام از چنگ امپریالیسم برون میکشند. دولت ایران می‌بیند که پس از جدا شدن عراق از پیمان سابق بغداد، اینک پاکستان نیز به عضو لنگ و فلج پیمان جانشین آن، یعنی پیمان سنتو بدل شده است. سرنوشت آتی پاکستان ورژیمش روشن نیست. همانطور که نیاست تکیه مطلق به امپریالیسم که شاه ایران در وهله نخست پس از کودتای ۱۳۳۲ دنبال کرد بجائی رسید که دچار تناقض شدید با واقعیت شد و بناچار در آن تغییراتی رخ داد، سیاست نیم بندی که جانشین آن شده است نیز بیش از پیش «کهنه میشود» و با واقعیت جهان تناقض مییابد. رژیم ایران میتواند با استقاده از دعاوی نامعقول برخی محافل ناسیونالیست عرب نقش واقعی خود را مستور دارد، جنجال کند و پرده دود ایجاد نماید، میتواند دست بدامن رهبران مائوتست بزند، میتواند به الطاف میلیارد های ماوراء اقیانوس چشم دوزد و خود را پاسدار قابل اطمینان منابع نفت آنها در منطقه خلیج فارس و «پارگاہ محلی» استواری بسود غرب معرفی کند، میتواند بودجه نظامی کمر شکن را کمر شکن تر سازد و دعاوی بلند پروازانه ولی بکلی یوچی را درباره نقش مستقل ایران در خلیج بحر عمان و حتی اقیانوس هند بپیان کشد ولی همه این «سیاست‌ها» ی بدون افق، و خالی از بصارت و دور بینی سیاسی او را از تناقض موجود با واقعیت نجات نخواهد داد و این تناقض طی سالهای آینده بتدریج روشن تر خواهد گردید.

از دو حال خارج نیست: یا رژیم با عناد تمام نسخه های مشکوک خود را ادامه خواهد داد و تناقض خود را با واقعیت جهان امروز باز هم عمیق تر خواهد کرد. یا بطرف

واقع بینی خواهد گرایید.

واقعیات موجود حاکی از آنست که روش رژیم که تعهداتی فراوان در مقابل امپریالیسم دارد در این جهت سیر نمی‌کند. تملق های کاملاً سالوسانه و حساب شده آقای سپیرو آگینو از شاه در ضیافت ماه ژانویه ۱۹۷۲ در واشنگتن در حضور هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد تصادفی نیست؛ امپریالیسم میکوشد ایران را در مواضع مورد علاقه خویش نگاه دارد.

آینده نشان خواهد داد که هیئت حاکمه ایران تا چه حد میتواند واقع گرائی سیاسی را جانشین اجراء نقشهای مشکوک و بی سر انجام سازد. حتی در مطبوعات ایران گناه ندهای کما بیش هشیارانه‌ای در جهت زنده باش به هیئت حاکمه ایران وجود دارد. در این زمینه ما میخواهیم به سر مقاله کیهان هوایی مورخ ۲۳ دیماه ۱۳۵۰ اشاره کنیم. در این سر مقاله با طرح مسئله بنگاله دش و تحولاتی که در این جریان در پاکستان حاصل خواهد شد و نیز بیان ولو ناقص مقاصد اسرائیل و امریکا در خاور میانه نتیجه می‌گیرد که: «رشد و تکامل قطعی و چاره ناپذیر و وجدان سیاسی و شعور اجتماعی مردم این منطقه بخطر مستقیم در جهت خلاف منافع سیاسی و اقتصادی و نفوذ سیاسی امریکا و اسرائیل حرکت میکند. و آنچه که برای مردم خاور میانه و دولتهای آن اهمیت دارد آنست که در حوادث آینده این منطقه که باید به پایان سلطه اقتصادی و نفوذ سیاسی امریکا و اسرائیل منجر شود نمیتوان هم اکنون نه در جهت مخالف این جبر تاریخی قرار گرفت و نه خود را بانزوا و کناره جوئی از دخالت فعالانه و مثبت در بحران کنونی کشاند.» صرفنظر از مقاصد سیاسی نویسنده این مقاله نمیتوان با ارزیابی وی درباره ضعف روز افرون امپریالیسم و عمالش در منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی موافق نبود.

آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند نشریات توده را در وین از کتابفروشی زیر دریافت کنند:

**Osterreich
Globus-Buchvertrieb
Salzgries 16
A - 1011 Wien**

شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است:

**Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman**

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

دنباله از صفحه ۲

کیهان علیه کیهان

در شماره ۴۰۹۶ - ۱۸ دی ۱۳۵۰
کیهان عنصر پرویز نیکخواه در حمایت از
سرمایه‌گذاری اساتذگرا امپریالیستی بمخالفان
میتازد و از جمله چنین مینویسد:

«... از ویژگیهای عقل استعمارزده
امنیت که همه مسائل سیاسی اجتماعی را یا
برنگ سیاه می‌بیند یا برنگ سپید... مورد
بسیار جالب توجهی که همیشه در کانون
نظرات مخالف و هیاهوی تبلیغاتی آنان بوده
است، موضوع سرمایه‌گذاری یک کشور
در کشوری دیگر است. ترس از سرمایه
گذاری خارجی همان سان از عقل استعمار
زده نشأت می‌گیرد که مقهور سرمایه‌های
خارجی شدن... نگاهی به ضوابط جدید
برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران،
حاکمی از رشد عقل اقتصادی برنامه‌ریزان
ایرانی است...»

دو روز بعد همین روزنامه در شماره
۴۰۹۸ - ۲۰ دی ۱۳۵۰ در مقاله‌ای تحت
عنوان «باشگاههای خصوصی دول بزرگ»
در مورد سرمایه‌گذاری خارجی چنین نظر
میدهد:

«... آنها چندین برابر کم‌کمها و وام
هائی که به کشورهای کوچک میدهند از
طریق بازگشت اصل و بهره و امها و سود
سرمایه‌گذارها و فروش کالا‌های صنعتی
و سود ناشی از بهره برداریها و امتیازات
بدست می‌آورند.»

قابل توجه دانشجویان گرامی!

شماره سوم «پیکار» نشریه حزب
توده ایران برای دانشجویان بسزودی منتشر
میشود. در این شماره از جمله مقالات زیر
را مطالعه خواهید کرد:

مبارزه با امپریالیسم چگونه انجام می‌گیرد
و چگونه باید انجام گیرد

جنبش دانشجویان ایرانی و جنبش بین‌المللی
دانشجویان

حزب طبقه کارگر و جنبش دانشجویی
انجمنهای دانشجویی

دانشجویان گرامی!

«پیکار» ناشر اندیشه‌های حزب طبقه
کارگر ایران در جنبش دانشجویی است.
«پیکار» بیان‌کننده افکار و آرمانهای
همه دانشجویان آگاه و مترقی است.

«پیکار» را بخوانید و برای بخش وسیعتر
آن بکشید.

تصحیح لازم

در مقاله درباره ماهیت ایدئولوژیک و
سیاسی مائوئیسم بقلم پ-فونوسف اکادمیسین
شوروی، منتشره در شماره گذشته ماهنامه
«مردم»

در صفحه ۸، ستون ۳، سطر ۲۰ بجای

موج جدید ترور و اختناق...

حزب ما این شیوه‌های مبارزه را بعنوان
شیوه‌های ضد انقلابی رد میکند. ما معتقدیم
که امر انقلاب ایران و تحول بنیادی جامعه
ما امری است که تنها با شرکت توده‌های
وسیع مردم مقدور است. توده‌هایی که در
گرد جبهه واحد سازمانهای ملی و دموکرا-
تیک ایران متشکل شده باشد.

ما از مبارزین آگاه دعوت میکنیم که
زیانبخش بودن شیوه‌های انفرادی و توطئه.
گرا نه مبارزه را بوسعت تشریح و تبلیغ کنند
و مبارزین جوان را بسوی کار پر حوصله،
مداوم و طولانی سازمانی و توده‌ای رهنمون
شوند.

سیر جنبش مردم ناگزیر بسوی اعتلای
نوین خواهد رفت. ما می‌بینیم که علیرغم فشار
های وحشیانه پلیس ایران و علیرغم اعدامها، شکنجه
ها و زندانها امروز گروههای جدیدی از مردم
وارد میدان شده و جایزانه به پیکار برمیخیزند.
تجربه سالیان اخیر آشکارا نشان داده که
با وجود تمام تقلای رژیم و دستگاه
امنیتی وی برای ارباب مردم این
نتیجه حاصل نشده و مبارزه با قوت ادامه
یافت. این تجربه همچنین نشان داد که دعوی
قدر قدرت، همه دان و همه توان بودن ساواک
دعوی پوچی است و حتی در این شرایط،
بنا باعتراف خود سخنگوی ساواک، مبارزه
و تشکل امری است عملی. حالا اگر این
مبارزه و تشکل در چارچوب صحیح آن انجام
گیرد، آنگاه امکانات چنین مبارزه‌ای از
اینهم بیشتر خواهد شد. برعکس اگر نیرو-
های مبارز شیوه‌های درستی را در مبارزه
خود پیش نگیرند جنبش مردم ایران بشدت
زیان خواهد دید و یأس و سرخوردگی و
گمراهی در بن بست‌های سیاسی نصیب آنان
خواهد شد.

مالازم میدانیم سازمانهای اویوزیسیون
را به احساس مسئولیت دعوت کنیم. برخی
از این سازمانها - چنانکه میدانیم هر حادثه‌ای
را که در داخل کشور میگذرد بی‌بیل خود
تعبیر و تفسیر کرده و گاه به این فکر می‌افتند
که از هر حادثه‌ای سرمایه‌سیاسی بدست
آورند. چنین کاری در شان هیچ سازمان
سیاسی نیست.

حزب ما بار دیگر با قوت تمام بانگ
خشم و اعتراض خود را علیه جنایات نوین
ساواک بلند میکند و اجراء موازین قانون
اساسی و اعلامیه حقوق بشر را در مورد همه
افراد بازداشت شده و تحت تعقیب میطلبد!

موضوعی، موقعی وستون ۴، سطر ۱۵ بجای
انقلابی فنی، انقلابی چینی خوانده شود.

در صفحه ۹، ستون ۱، سطر ۵۰ بجای
سودا گرانه، سودگرایانه - ستون ۲، سطر
۱۷ بجای آزادیبخش کمونیستی، کمونیستی
و آزادی بخش - سطر ۴۰ بجای این یک
جریان ضد لنینی و سیاسی است، این یک
جریان سیاسی ضد لنینی است خوانده شود.

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو
پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل
بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد
های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه
فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

آگهی

نشریات توده را در ماینتس (آلمان
غربی) از کتابفروشی زیر دریافت کنید:

Bücherzentrum Südwest
65 Mainz
Bilhildisstraße 15

آگهی

نشریات توده را در مونیخ (آلمان
غربی) از کتابفروشی زیر دریافت کنید:

Libresso Buchhandlung
8 München 13
Türkenstraße 66

آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند «نشریات
توده» را در برلین غربی از کتابفروشی زیر
دریافت کنند:

Das Europäische Buch
West-Berlin 12
Knesebeckstr. 3

آگهی

نشریات توده را در پاریس از کتاب
فروشی زیر دریافت کنید:

Librairie Racine
6, Place St-Michel
Paris 6 e
France

آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند «مجله
دنیا» و «مجله مسائل بین‌المللی» را در
وین از کتابفروشی زیر دریافت کنند:

Österreich
Globus Verlag
Höchstädtplatz 3
A - 1200 Wien

آگهی

نشریات توده را در فلورانس (ایتالیا)
از کتابفروشی زیر دریافت کنید:

Libreria Rinascita
Via Luigi Alemanni
Firenze
Italia

«نشریات توده»

بنا بتقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر
از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای
نشریات توده اعلام داشته‌اند، بدینوسیله بهای
نشریات موجود به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از
خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را
رعایت فرمایند:

(۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام
شده بپردازند.

(۲) خوانندگان گرامی بابت نشریه‌تی که تاکنون
دریافت داشته‌اند هر قدر میتوانند کمک کنند.

(۳) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز
بما اطلاع دهند.

نام نشریه

بها به مارک آلمان غربی

ماهنامه مردم

۰/۵۰

مجله دنیا

۲

مجله مسائل بین‌المللی

نشریه پیکار

منتخبات آثار لنین در دو جلد (هر جلد

در دو قسمت) هر قسمت

۱۵

سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵

هر جزوه

مانیفست

هیجدهم برومر لویی بناپارت

برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی

استاد کنفرانس مسکو

گزارش کنفرانس برژنف به کنگره ۲۴

حزب کمونیست اتحاد شوروی

یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی

انقلاب اکبر و ایران

زندگی و آموزش لنین

جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی

در ایران

سالنامه توده

بنیاد آموزش انقلابی

واژه‌های سیاسی و اجتماعی

الهی مبارزه

دفاع روزبه

یادنامه شهیدان

توده ایها در دادگاه نظامی

خان و دیگران

روزنامه آذربایجان

مجله آذربایجان

متن دفاع ارانی بزبان آذربایجانی

آخرین دفاع روزبه بزبان آذربایجانی

کتاب شهیدان بزبان آذربایجانی

در دو جلد - هر جلد

اشعاری در باره لنین بزبان آذربایجانی

لنین و ایران بزبان آذربایجانی

۰/۵۰

۳

۱

۲

۲

۱

۱

۲